

دانشگاه ملی ایران

دانشکده حقوق - دولت مترازمیران شده حقوق دانشکده

تقسیم دارر ۲۹/۱۰/۵۱



بایان نامه

موضوع

لیسوست

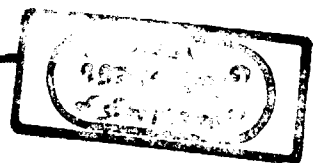
براهمنای استاد ارجمند آیتالله العظمی جناب آقای دکتر سید حسن امامی

نگارش

مهمت چوبین

دوره فوق لیسانس حقوق جزا

سال تحصیلی (۱۳۵۱-۵۰)



- الف -
پنجم
مقدمه

در این موقع که بهاری خداوند معال و فضل سلامی جمله استادان ارجمند
و تشریح و کوشش مداوم خودم دوره نهن لیسانس حقوقی جزای دانشگاه طوسی را
بپایان می‌رسانم و حسب برنامه دانشگاهی و توصیه استاد ارجمند جناب آقای
دکتر میرسید حسن امامی آیت الله العظمی مقرر است رساله پایان تحصیلی
خود را در قسمت " تیسومنت " تدوین نمایم امیدوارم با راهنماییهای
ذیقیمت و کراتبهای استاد ارجمندم رساله مزبور تا حد امکان مفید و مطالب آن
مورد استفاده واقع شود. هر چند متأسفانه در خصوص این موضوع کتابهای زیادی
وجود ندارد که بعنوان بآن دسترسی داشت. خوب استفاده وجود کتاب خطی مدنی
فالمی استاد محترم دانش پژوهان را از مراجعه به منابع دیگریهازمیبارد.
عصوما چون موضوع رساله " تیسومنت " میباشد سعی شده است که موارد علمی
و حقوقی آن تا آنجا که ممکنست در قانون ایران مورد بحث قرار بگیرد.

از این نظر با مراجعه به کتاب خطی مدنی چاد پنجم و نافعین امور حسبی و نافعین مدنی و مجموعه قوانین ۱۳۱۳ عسی کوشش بعمل آمده است که گاهی سکوت نماید . حال اگر دانش نافعین اینجانب با اشتغال که نتوانم رساله‌های کامل و بی عیب و نقص و ابهام عظیم تمام از فارغین معتمد و ارتباط فضیلت و بصیرت طایفه را دارد هرگونه لغزشی که در این رساله ملاحظه میفرمایند بگرم و لطیف‌ترینها دیده اغماض نگریسته و با یادآوری ابراداتی که بر این رساله وارد است مرا ارشاد فرمایند .

اهمیت این موضوع از آن جهت است که هر چند يك بحث حقوقی است لیکن ارتباط آن بازدهی اجتماعی امری بدیهی و انکارناپذیر است . زیرا خانواده يك سازمان قدیمی است و ضرورت وجودی آن اجتماع را بوجود می‌آورد . يك اجتماع زمانی پایدار است که از خانواده‌های منظم تشکیل شده باشد .

در ازمنه قدیم که روابط افراد محدود از چهار جنبه خانواده تجاوز نمی‌کرد لزوم چنین قواعدی‌ها بد ضروری نبود لیکن امروزه با پیچیدگی اجتماعات لزوم وضع

قوانین محکمه جهت حمایت خانواده ضروری است. زیرا طروحات مربوط به هموست
در مورد کسانی اجرا می‌گردد که از لحاظ معنوی حمایت می‌یابند.

و چنانچه بسیر تکاملی قوانین در کشورهای گوناگون نظاره‌ای از هم این موضوع روشن و
مسلم خواهد بود که با ذکر کوشش‌های عظیم اجتماعی لزوم تغییر قانون وضع قوانین
جدید که همبستگی کامل با روحیه و نیازهای اجتماعی داشته باشد ضروری است.

در بحث مهمت فعالیت کامل دستگاه قضائی برای حفظ منافع و اموال کسانی که خود
عصا قادر به دفاع از خود نیستند کاملاً روشن و معین است. قوانین مربوط به مهمت
داستان دادرسی شهرستان را ما مورد حفظ اموال و منافع صغار. مجانبین و افراد غیررسمی
داشته است که در بعضی از موارد داستان عصا امور مجبورین را حفاظت می‌نماید
و زمان دیگر هم آنان عهده دار امور مجبورین خواهند بود که باز هم عملیات
شهرستان تحت نظر کامل داستان است که امکان هیچگونه تعدی و تفریط نسبت به این
اعضای نباشد. باین منظور داستان فشار خود را از طریق اداره امور شهرستانی در
امور مجبورین انجام می‌دهد.

اداره امور سرپرستی از بدو تفکلات وزارت دادگستری و بجهت دایعه استعماری بحکم
احتیاجات مردم و از دیاد جمعیت دامنه تفکلات آن سپهر کرده است.

از سال ۱۲۸۵ هجری تا ۱۳۰۴ هجری در امور مشیر بوسیله روحانیون بعمل میآید.

در سال ۱۳۰۶ هجری مرحوم داور با اعتباراتی که از مجلس گرفت تفکلات دادگستری
را بصورت شامروزی آن بنیان گزارد و در بسیاری از قوانین نظر و تصرف بعمل آورد.

از جمله اشاره‌ای به تعین نیم برای مشیر. مجبور و غایب منظور الاثره و مواد
۶۷ در مورد تعین نیم. ماده ۶۸ در مورد وی مصوب و جد بدری ماده ۶۹ راجع
بمجنون ماده ۷۰ در مورد سفیه تدوین شد و رسیدگی این امور جز وظایف دادستان
شهرستان یا مدعی العموم بدایت در آمد. در ابتدای تصویب قوانین فوق حکم جبر
توسط دادستان اعلام میگردید و بوسیله دادگاه عمخ اقدام میشد تا اینکه قانون امور
حقوقی بصوب رسید و مقرر شد که دادگاه شهرستان نسبت به تعین نیم برای مشاور
مبادین اقدام نماید. در سال ۱۳۱۵ هجری که بعضی از تفکلات دادگستری تصویب
یافت طبق ماده ۱۶ قانون اصلاحی تفکلات دادگستری مصوب ۱۳۱۵-۱۰۸۵ و وظایف مدعیان

عمومی بر دو قسمت تقسیم گردید وظایف اداری و وظایف قضایی، حفظ حقوق صغار،
مجانین و سفاها از وظایف اداری دانستگان استودر داسراها عمده مصوبی بنام دفتر
امور مجبورین و تحریر ترکه تفکیک گردید. طرز تفکیک و اداره مزبور نیز بموجب
وظایف هیئتوزیرا مصوب میبود بنا براین تا سال ۱۳۱۶ خورشیدی تفکیکات خاصی
که مستقلا امور مجبورین را اداره نماید وجود نداشته است بلکه این امر بمعهده
دانستگان شهرستان بوده است. تفکیکات اداره امور سرپرستی فعلی از سال ۱۳۱۶ بنا
گردید این تفکیکات ابتدا بنام " اداره دفتر مجبورین " نامیده شده و سپس
در تهران به اداره امور سرپرستی تغییر یافت هر چند در شهرستان ها هنوز بنام
دفتر امور مجبورین خوانده میبود و همچنانکه فوقا گفت وظیفه اداره امور
سرپرستی حفظ حقوق صغار . رسیدگی بامور آنها و نظارت نسبت به تعلیم و تربیت
آنان ، حقوق و مجانین ، سفاها و مجانین مظلوم الاثر، حفظ ترکه متوفای
بلا وارث ، بامتوفائی که بعضی از ورثه و یا تمام آنها مجهول و یا دسترس
بآنها مقدور نباشد و حفظ اموال بلا صاحبی که بوسیله مختلف بستنیامند .

آمده در این رساله مورد بحث قرار میگیرد در خصوص قیومت است و نسبتها قیومین
و احوال بلا صاحب و بلا وارث بحث نموده و وظیفه اداره سرپرستی در مورد قیومت
در صورت رسیدن صغیر پس از وفات او، افایه پیدا نمودن مجنون و سفیه یا فوت حریک
از آنان خاتمه مییابد.

اینک ضمن تفکر و تامل فراوان از ساحت مقدس اسفاد ارجمند جناب آقای دکتر سید
میر حین امامی که بقا بقویه و ارشاد و راهنماییهای ذیقیمت معظم له مقرر شده است
که رساله اینجانب تحت عنوان " قیومت " برهه تحریر در آید سعی شده است این موضوع
چه از لحاظ عقلی و چه علمی و حقوقی در ۶ فصل بشرح زیر تدوین شود:

فصل اول: موارد سب قیوم

مبحث اول - مجنونین

مبحث دوم - سفار

مبحث سوم - غیر رشید

مبحث چهارم - مجانین

مبحث پنجم - برای چه کسانی سب قیوم میشود

فصل دوم : ترتیب تصویب قیوم قیوم

کلیات

- مبحث اول - وظایف دانستان
- مبحث دوم - وظایف دانستان در مورد منیر
- مبحث سوم - وظایف دانستان در مورد اطلاع از ورود مجازین
- مبحث چهارم - تصویب امین موقت برای مجبور
- مبحث پنجم - اقر حبر
- مبحث ششم - اعضای راکه میتوان بسمت قیومت تصویب نمود

فصل سوم : اختیارات وظایف قیوم

- مبحث اول - وظایف قیوم نسبت به شخص مولی علیه
- مبحث دوم - اداره اموال و حقوق مالی مولی علیه

فصل چهارم : مسئولیت قیوم

فصل پنجم : عزل قیوم

کلیات

- مبحث اول - دادگاه صالح برای عزل قیوم
- مبحث دوم - درخواست عزل قیوم از دادگاه و رسیدگی بآن
- مبحث سوم - موارد نصب قیوم موقت

فصل ششم : خروج از دوره مجبورت

- مبحث اول - پایان دوره منقر
- مبحث دوم - پایان دوره جنون یا سف

فصل اول سوارده صب قسم

مبحث اول : مجبورین

حجر یعنی منع است و مجبور کسی است که ممنوع از تصرف در اموال و حقوق مالی خود باشد. طبق ماده ۴۵۶ قانون مدنی " اهلیت برای دارا بودن حقوق بازنده متولد شدن انسان شروع و با مرگ او تمام می‌شود " و بموجب ماده ۴۵۸ قانون مذکور " هر انسان متمتع از حقوق مدنی خواهد بود ولیکن هیچکس نمیتواند حقوق خود را اعمال و اجرا کند مگر اینکه برای این امر اهلیت قانونی داشته باشد " بنابراین قانونگذار هر انسان را از آغاز تولد تا پایان زندگی دارای اهلیت برای برخورداری از حقوق میدهد . اهلیت بر دو نوع است :

۱- اهلیت تمتع

۲- اهلیت استیفا

آنچه که در مورد مجبورین مورد بحث قرار می‌گیرد اهلیت استیفا است که آنها فاقد می‌باشد و نمیتواند حقوق خود را اجرا نمایند و صورتی که حجر

مانع از اهلیت تمتع نخواهد بود . پس اهلیت عبارتست از توانایی قانونی برای دارا بودن حق و اعمال و اجرای آن . کسی که فاقد توانایی اعمال و اجرای حق خود باشد فاقد اهلیت استیفاء و مجبور است . طبق ماده ۱۳۱۱ قانون مدنی " برای اینکه معاملاتین اهل محسوب شوند باید بالغ و عاقل و رشید باشد " بنا براین مجبورین حق انجام معامله را ندارند . بحسب ماده ۱۲۰۲ قانون مدنی اطفال ذهل مجبور و از مصرف اموال و حقوق مالی خود ممنوع هستند :

۱- منار ۲- اطفال غیر رشید ۳- مجانین

که اینک بهصرف هر یک از اقسام مجبورین مبرورینم :

مبحث دوم : منار

جمع صغیر است و در اصطلاح حقوقی یکی نفعه میفود که از نظر سن بعد جناسی

و روحی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده باشد . هر چند که طبق ماده ۱۲۰۲

قانون مدنی یکی از اقسام خبر صغر میباشد ولی در قانون مزبور و قانون امور

حسبی صریحی از سفر مشیر نطه استولیکن با توجه به مواد ۱۲۰۹ و ۱۲۱۲ و ۱۲۱۵

قانون مدنی و ماده ۹۱ قانون امور حسبی که لایحه هرکام و اخرج مهمیم :

ماده ۱۲۰۹ " هرگز که دارای عیبه سال تمام ببلد در حکم غیر عیبه است

مذکور در صورتیکه بعد از بازگشته سال تمام بعد کسی در محکمۀ ثابت شود از جهت

نیوستانج میشود "

ماده ۱۲۱۲ قانون مدنی " اعمال و احوال مشیر تاحدی که مربوط با اموال و حقوق

مالی او باشد باطل و بیلا اثر است مگر آنکه مشیر میخواند ملک بلا عیبه کند

مقل قبول عیبه و صلح بلا عیبه و حیا زت مباحات " .

ماده ۱۲۱۵ " هرگاه کسی مالی را بصرف مشیر غیر مجوز و یا مجنون بدهد

مشیر یا مجنون مسئول نافر یا تلفظ آن مال نخواهد بود "

ماده ۹۱ قانون امور حسبی " مجبور مجوز میخواند از نیم برای دادن هزینه

و کوتاهی او در تربیت و نگاهداری خود عکایت نماید در احوال رت هرگاه دادگاه

عکایت را وارد دید دستوریکه مطالب است میدهد و نیم باید بر طبق آن دستور

صل نماید مفاد این ماده در موردی هم که دادستان کوطنی نیم رادر فریبست
و نگاهداری مجبور و دادن هزینه او بدادگاه اطلاع بهند اجرا خواهد شد.

معلوم میبود که مشیر بویه هم است: مشیر ممیز مشیر غیر مشیر و مشیر

رفید. از آنجا که قسمت اول ماده ۳۴ قانون مبارزات عمومی که میگوید

" اطفال غیر مشیر را نمیتوان جزا ثنا محکوم نمود در امور جزائی عوططنی

که دوازده سال تمام داشته باشد حکم غیر مشیر را دارد. " میتوان

استنباط کرد که مشیر بهر از ۱۲ سال مشیر ممیز است و مشیری را که ۱۲ سال

تمام ندارد غیر مشیر میباشد و اگر طبق قسمت اخیر ماده ۱۲۰۹ قانون مدنی

مشیر ۱۵ سال تمام داشته باشد و بعد خود را در سجنکه ثابت نماید مشیر

رفید خواهد بود.

البته باید مذكر شد که بعضی ماده ۳۴ قانون مبارزات عمومی را مطلقاً مشیر

مشیر از غیر مشیر در امور حقوقی و جیبی نمیدانند و تفصیح در این مورد بنظر قاضی

است و مشیر ممیز عرفاً بکسی گفته میبود که نفع و ضرر خود را در امور عسکری

تفصیح میدهد و مشیر غیر ممیز خود و زیان خود را بخواهی تفصیح نمیداند و فرق نمیکند.

مضمین سن افراد از روی شناسنامه بعمل میآید و تاریخ تولد مضمین در آن سالک
میباشد قانون مدنی سن رشد را برای ذکور و اوقات یکسان دانسته است . چنانکه
از مستأول ماده ۱۲۰۹ قانون مدنی استنباط میشود . دوران صغر از زمان
تولد شروع میشود و به هیجده سال تمام خاتمه مییابد و بنابراین رسیدن کسی
است که سن به هیجده سال تمام رسیده باشد ولی کسیکه بین ۱۵ سال تمام
رسیده است میتواند رشد خود را در دادگاه ثابت نماید در این صورت ترخیص
محتاجه خواهد شد . دعوی رشد از طرف مضمین مضمینها ولی یا قیم او در دادگاه
شهرستان حوزه اقامتگاه وی اقامه میشود و اگر مضمین در خارج از ایران سکونت
داشته باشد مستحب از مواد ۴۸ و ۴۹ قانون امور حسبی دادگاه صلاحیتدار
برای رسیدگی باین امر دادگاه شهرستان تهران خواهد بود .

نحوه رسیدگی : هرگاه مضمین که دارای ولی غلبی (پدر - جد پدری - وصی
مصوب) و یا تحت قیمومت تقیم میباشد بخواهد دعوی رشد در دادگاه اقامه

بنامید دعوی باستی بطرفیت ولی یا وصی یا قیم باشد . مدارک لازم جهت
تقدیم بدادگاه عبارتند از رونویس سندنامه صغیر و گواهی گواهان و اعمال
آن که پیوسته ادعوات تقدیمی میبود . جلسه رسیدگی دادگاه با اطلاع دادستان
عمرستان خواهد بود و در آن جلسه بادل صغیر (گواهان) رسیدگی میشود
و دادگاه پس از رسیدگیهای لازم از سبیل استماع گواهی گواهان در صورتیکه از
نظر قوای روحی رشد صغیر را احراز نمود حکم بر رشد میدهد که این حکم مانده
احکام مذکور در ماده ۶۶ قانون امور حسبی نظر بوجه تملک ماده ۶۵ قانون مزبور
قابل پیروزی است . در صورتی که حکم رشد از طرف دادگاه رد شد صغیر میبماند
پیروزی بخواهد و پس از قطعیته حکم : صغیر از تحت ولایتها قیومتخارج خواهد
شد .

آثار افسال منار :

بموجب ماده ۱۲۱۲ قانون مدنی اعمال و احوال کسانی که بین ۱۸ سال تمام

درجده است تا حدی که مربوط با اموال و حقوق مالی آنان باشد باطل و بلا اثر است.

بنابر این معاملات بیع و صلح و هبه یا حقوق مالی خود مانند سرقطبی یا هبه با اہتمام امری که ویرا ملغوم نماید و همچنین هر گونه سدی را که در باره اموال و حقوق مالی خود تنظیم نماید از نظر قانونی معتقد است اعتبار و اثر نصیحت الیقین در صورت صغیر صغیر قانونگذار استثناء قائل شده است و در صورتی که ملک بلا عین نماید اما در مورد هبه بموجب ماده ۷۹۹ قانون مدنی قسین عین موقوفه باید از طرف مولی او باشد و طبق ماده ۸۶ قانون امور حسبی صغیر میتواند اموال و منافعش که با اہتمام خودش بست آمده است با اجازه ولی یا قیم اداره نماید و طبق ماده ۹۱ قانون مذکور صغیر صغیر میتواند از قیم برای دادن مزینه و کوفای او در ترتیب و نگهداری خود به ادگاہ حکایت نماید. باید متذکر شد هر چند که اعمال و احوال صغیر از نظر امور مالی و حقوق مالی خود فاقد اثر میباشد ولیکن با استناد ماده ۱۳۱۶ قانون مدنی اگر صغیر موجب ضرر غیر بقوه ضامن است و ولی یا قیم صغیر باید مسئولیت وی را جبران نماید و عارضی را که در اثر عمل صغیر بد بگری وارد شده است نباید